روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه • ۲۰ شهریور ۱۳۹۸ • ۱۱ محرم ۱۴۴۱ • ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۹ • سال هفدهم • شماره ۳۵۲۱ • ۱۶ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۱۹:۳۶ • اذان صبح‌فردا ۵:۱۹ • طلوع آفتاب ۶:۴۴

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

روزها

۱۸ سال ۳ هزار کشته و روایت‌های متفاوت

● از یازده سپتامبر و حمله القاعده به برج‌های تجارت جهانی نیویورک ۱۸ سال می‌گذرد. بیش از ۸۴ میلیون نفر صفحه «خاطرات ۹/۱۱» را در توییتر دنبال می‌کنند. بیشتر رسانه‌ها، روزنامه‌ها و افراد و کمپین‌های مختلف در تارک بزرگداشت قربانیان این حمله تروریستی که وضعیت دیپلماسی جهان را تغییر داد، هستند. روزی که به نظر کاربران فراموش‌شدنی نیست، بزرگ‌ترین حمله تروریستی جهان در قرن ۲۱ در آمریکا رخ داده است، تاریخی که روح بسیاری را به درد آورد و قلب بسیاری را شکست؛ تاریخی که جهان در آن تغییر شکل داد. هنوز بعد از ۱۸ سال و در آغاز نوزدهمین سالگرد این اتفاق مردم این سؤال‌ها را از هم می‌پرسند «کجا بودید؟ چی‌کار کردی؟ آیا هنوز خواب بودی؟ کسی را می‌شناختی که در منطقه صفر - یادبود قربانیان - باشد؟ وقتی شنیدی چه کار کردی؟» بسیاری از کسانی که وحشت‌زده و با حیرت از صفحه‌های تلویزیون لحظه برخورد هواپیمای دوم به برج تجارت جهانی را می‌دیدند و می‌شنیدند که دو هواپیمای دیگر نیز ناپدید است و هر لحظه ممکن است حادثه‌ای وحشتناک رخ دهد، ناتوان و شوک‌زده در حال تماشای این اخبار به صفحه تلویزیون چسبیده بودند. برج‌هایی که فرو ریختند. مردمی که همچون ارواح از ابرهای خاکستر سفید پدیدار می‌شدند، سوراخ آتش‌گرفته در پنتاگون و محل سقوط هواپیمایی دیگر در پنسیلوانیا؛ اینها همه تصاویر نمادینی هستند که اکنون -۱۸ سال بعد - در یادها زنده هستند. بسیاری از آن هزاران تصویر و لحظه سخت حرف می‌زنند و کمپین برگزار می‌کنند که این خاطره فراموش نشود.

در آن زمان، این حملات سبب شد تا بسیاری، چه کشورهای دیگر جهان چه خود مردم ایالات متحده، مدتی برای آسایش و تسلی‌بخشیدن به یکدیگر متحد شوند، گرد هم آیند و به یکدیگر کمک کنند.

به گزارش هفته‌نامه ویک، برای مأموران آتش‌نشانی، زنان پلیس و زنانی که به عنوان اولین افراد کمک‌کننده در مرکز تجارت جهانی حضور داشتند بودجه‌ای برای پوشش بیماری‌های ناشی از قرارگرفتن در معرض مواد سمی هنگام نجات و پاکسازی اختصاص داده شد؛ البته فقط به مدت دو ماه و نه بیشتر! نویسنده هفته‌نامه معتقد است تأثیر ۱۱ سپتامبر در سیاست خارجی آمریکا بیش از آنچه به نفع آمریکا باشد یا سبب ثبات در جامعه شود با انگیزه‌های سیاسی گره خورده و در این مدت فرساینده بوده است. روح و روان آمریکایی‌ها نیاز دارد که روزی برای آسایش و فراغ بال داشته باشند و پیشنهاد داده تا کسانی که توانستند از ۱۱ سپتامبر زنده بمانند این روز را فرصتی برای رهایی و آرامش بدانند.

اما در این ۱۸ سال اتفاقات متعددی رخ داده است؛ رکود اقتصادی که تقریبا یک دهه به طول انجامید و حمله‌ای که به عراق در سال ۲۰۰۵ شد و آشفتگی و خصومت جهانی که آغاز شد و ادامه دارد. شاید یکی از لحظه‌های سخت تصمیم‌گیری، اجازه‌ای بود که اوباما برای ساخت مسجد در منطقه یادبود قربانیان صادر کرد. مسلمانان که متهم بودند همگی طرفداران القاعده و اسامه بن لادن بودند، هرچند خود اوباما بود که توانست سرانجام لحظه مرگ او را رقم بزند. چهار حمله‌ای که در ۱۱سپتامبر رخ داد، آغاز «جنگ با تروریسم» آمریکا بود که منجر به حمله به افغانستان شد و امروز نیز ادامه دارد.

آمریکایی‌ها فیلم‌ها و تئاترهای بسیاری نوشتند و قدرت رسانه بار دیگر خود را نشان داد. همه در بهت و حیرت هنوز برای این سه هزار زن و مرد کشته‌شده سوگواری می‌کنند و خاطرات شش هزار فرد مجروح هر روز به گونه‌ای منتشر می‌شود و مورد توجه قرار می‌گیرد. فیلم «vice» شاید از آخرین ساخته‌های هالیوود در این زمینه است که درباره قدرت‌گرفتن و نقش دیک چنی معاون اول «جورج بوش» در سوءاستفاده از این اتفاق و حمله به افغانستان و ماندن در این کشور است. همه مردم جهان به گونه‌ای تحت تأثیر این اتفاق قرار گرفته‌اند اما چند فیلم یا تئاتر درباره روی دیگر این رویداد خلق شد؟ چند اثر هنری به آسیبی که افغانستان از این اتفاق دید پرداخت؟ چند روزنامه‌نگار از تأثیر این حادثه بر مردم عادی افغانستان که خود تحت سلطه طالبان بودند، مطلب و گزارش نوشتند؟ هرچقدر هم باشد قطعا قابل مقایسه نیست. به هرحال جوانان افغان درصدد هستند تا هم‌زمان با یازده سپتامبر، نسبت به اشغال کشورشان توسط آمریکا توفان توییتری راه بیندازند.

توفانی که شاید بتواند توجه را به وضعیت اشغال این کشور جلب کند، هرچند در مقایسه با مجموعه تلاش‌هایی که سردمداران سیاست آمریکا، طالبان و دولتمردان افغان انجام می‌دهند به نظر نمی‌رسد صدای واقعی مردم و جوانان افغان شنیده شود و برای شنیدن اعتراض به ۱۸ سال اشغال و جنایت، شنونده و روایتگری پیدا شود!

کارتون خواب

کورسات زمان

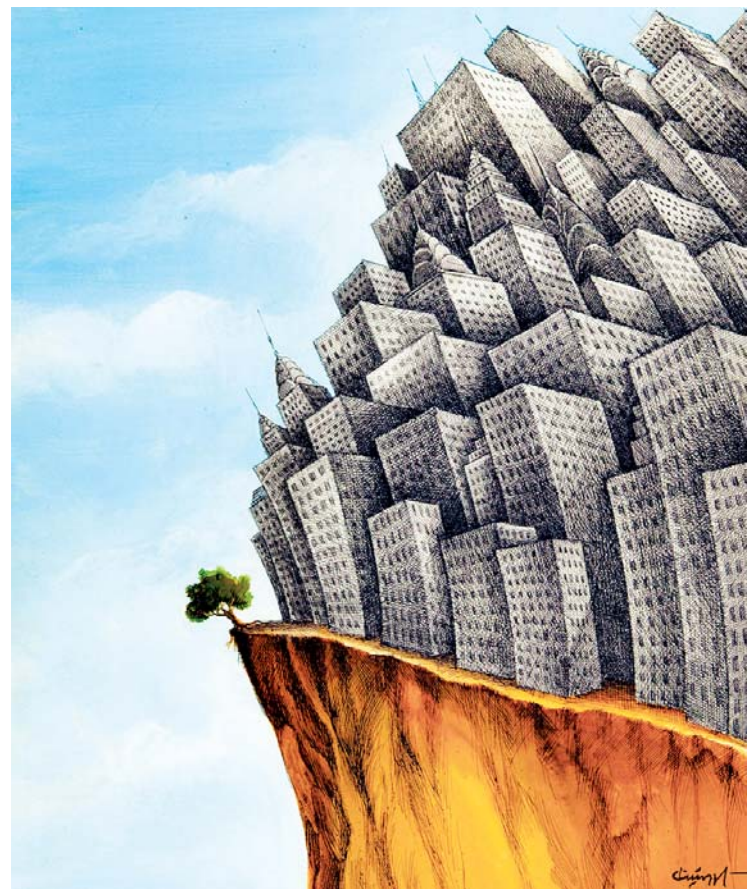

استانبول

حوراسان همان خراسان است

حسین بکایی

بعد از این‌همه سال ترکی حرف‌زدن و کلاس ترکی رفتن و کار روی لهجه و ساختار زبان ترکی و با وجود رگ‌وریشه آذری‌ام، هنوز لهجه‌ام مرا لو می‌دهد و وقتی خودم را معرفی می‌کنم و می‌گویم که ایرانی هستم، اغلب جواب می‌شنوم: «ایران؟! پدران من هم از حوراسان آمده‌اند». در زبان ترکی استانبولی حرف «خ» وجود ندارد و حرف «ح» جای آن می‌نشیند؛ مثل «حوراسان» که همان «خراسان» است. حوراسان در ترکیه به شکل‌های مختلف دیده می‌شود. هم اسم شرکت حمل‌ونقل «حوراسان» است، هم نام خانوادگی خانم یا آقای «حوراسان»، هم رقص «حوراسان» دارند و هم شهر «حوراسان». این تکرار به من می‌گفت، برای ترکان، خراسان فقط اسم یک محل نیست. بعدها دانستم که حوراسان بخشی از هویت ترکی و در کنار آن هویت خانوادگی برخی از ترکان و محل پیدایی مذهب و باور ترکان علویان و ... و به طور کلی بخشی از هویت تاریخی و تاریخ سیاسی و فرهنگی ترکیه است. مهم‌ترین دلیلی هم که پیدا کردم، گسترش کرسی زبان فارسی در دانشگاه‌های ترکیه و توجه ترکان به تاریخ ایران زمان سلاجقه و... است. برایم جالب بود که می‌دیدم با گذشت بیش از ۳۰۰ و ۴۰۰ و حتی ۶۰۰ و ۸۰۰ سال از مهاجرت دسته‌های کوچک و بزرگ ترکان به آناتولی، اسم خراسان نسل‌به‌نسل چرخیده و سینه‌به‌سینه آمده است و در ذهن کسانی که نه ایران را دیده‌اند و نه آرزو و خواست دیدنش را دارند، همچنان زنده مانده است.

درباره کوچ بزرگ از خراسان به آناتولی حرف‌وحدیث‌های زیادی شنیده‌ام. حتی دراین‌باره کتاب‌هایی هم نوشته شده و حرف‌هایی از کُردهای مهاجر علوی و غیرعلوی از کرمانجی‌ها و زازاها هم گفته شده است؛ یعنی اینکه خراسان تنها مال ترکان نیست و طایفه‌های مختلف کُرد هم خود را خراسانی می‌دانند. البته به نظر می‌رسد که زازاها که به زبانشان شناخته شده‌اند، لک لرستان باشند تا کرد خراسان، چراکه زبان زازایی هنوز در لرستان زنده است.

شهر خراسان ترکیه یادگار سلاجقه روم است. این شهر در ۲۵۰ کیلومتری مرز امروزی ایران و در کنار راه تاریخی ابریشم شهر در منطقه جغرافیایی ارزروم قرار دارد. نام باستانی حوراسان «اسکوهات» بوده است و تقریبا شش هزار سال سابقه دارد. پنج هزار سال از این سابقه طولانی را این شهر زیر فرمان آشورها و مادها و پارس‌ها و رومیان سپری کرده و در دوران حکومت سلجوقیان، وقتی ترکان مسلمان لشکر رومیان و ارمنیان و گرجیان مسیحی را از این منطقه پس می‌زنند، اسم «اسکوهات» را به خراسان «حوراسان» تغییر می‌دهند و آنجا ساکن می‌شوند. به زبان دیگر انگار خراسانشان را هم پشت زین اسبانشان با خودشان تا آناتولی می‌آورند. برای علوی‌ها خاک خراسان مقدس است؛ چه علویان دوازده‌امامی که خیلی هم خودشان را آشکار نمی‌کنند، چه علوی‌های دیگر که بیش از یک‌سوم جمعیت ترکیه را تشکیل می‌دهند. برای دوازده‌امامی‌ها مشهدالرضا مهم است و برای آن علوی‌های دیگر، مولوی و حاجی‌بکتاش. حاجی‌بکتاش، مؤسس طریقت بکتاشیه، معاصر مولوی در قرن هفتم در نیشابور زاده شده و برخلاف مولوی که فقط یکی از مردان خداست، حاجی‌بکتاش صاحب مذهب و پیر طریقتی است که در طول تاریخ میلیون‌هامیلیون مسلمان از او پیروی کرده‌اند. زادگاه حاجی‌بکتاش در نیشابور گنبد و بارگاهی دارد. همان‌طور که مزارش در کاپادوکیا یا «نوشهر» یک مجموعه بزرگ زیارتی است. حاجی‌بکتاش به نوعی امتداد باطنیان خراسان است که پس از زیارت نجف و

مکه به آناتولی مهاجرت کرده و در آنجا پیروان زیادی پیدا کرده است. وقتی دنبال دلیل گسترش طریقت بکتاشیه در ترکیه گشتم؛ دیدم سپاهیان قدرتمند عثمانی همه پیرو او بودند و حتی این حاجی‌بکتاش بوده که اسم «ینی‌چری»؛ یعنی «سپاه جدید» را برای سپاهیان عثمانی انتخاب کرده است. ینی‌چری هم برای نشان‌دادن ارادتش به حاجی‌بکتاش دستمالی به پس کلاه رسمی‌اش آویزان می‌کند که نمادی از آستین خرقه مراد باشد. وقتی داشتم درباره تورهای ایران‌گردی که در ترکیه عرضه می‌شود، کنجکاوی می‌کردم، به تورهای نیشابور و خراسان رسیدم. در ذهن خطی جان گرفت که یک سرش نیشابور در ایران بود و سر دیگرش کاپادوکیا در ترکیه؛ خطی که مثل یک زنجیر ایران و ترکیه را به هم وصل کرده است. البته تعداد این زنجیرهای محکم ارتباط و اتصال و به‌هم‌بستگی کم نیست.

زنان

۴ دهه تأثیرگذاری

الهه کولایی

در چهار دهه پس از انقلاب اسلامی، زنان همواره نقشی تأثیرگذار و تعیین‌کننده در شکل‌گیری تحولات ایران داشته‌اند. آنان همیشه نقش‌هایشان را به خوبی ایفا کرده‌اند. زنان نه فقط در مراحل شکل‌گیری، بلکه در تداوم انقلاب اسلامی نیز نقشی تعیین‌کننده داشته‌اند؛ با توجه به اهمیت رویکردهای آنان در شکل‌دادن به این نقش‌ها- مثبت یا منفی- همواره رفتار آنان بر جامعه ایران تأثیر داشته است. این تأثیرگذاری در حوزه‌های سیاسی سبب شده تا سیاسی‌شدن موضوع زنان در کشور ما ابعادی جدی پیدا کند. آنها همواره در شکل‌دادن به مناسبات قدرت تأثیرگذار بوده‌اند. اما هیچ‌گاه سهم مناسب و قابل قبولی از آن به‌دست نیاورده‌اند. آنان همواره در روندهای توزیع قدرت انکار شده و نتوانسته‌اند در سمت‌های تصمیم‌گیری یا اجرائی کشور یا حتی در نهاد قانون‌گذاری و رسیدگی به اجرای قانون در دستگاه قضائی حضور و نقشی قابل قبول داشته باشند. بنابراین در هر سه قوه، زنان برخلاف نقش سازنده‌شان، از به‌دست‌آوردن جایگاه مناسب بازمانده‌اند. البته این به آن معنا نیست که آنان در همه حوزه‌های اجتماعی از رسیدن به جایگاه مناسب بازمانده‌اند. زنان در عرصه‌های آموزشی- فرهنگی- هنری و اجتماعی توانسته‌اند حضور تأثیرگذار و سازنده خود را تحکیم کنند. با اینکه در نهادهای اجتماعی، فرهنگی و هنری نیز عوامل بازدارنده کم نبوده، با این حال زنان موفق شده‌اند نقش اثربخش خود را در این عرصه‌ها به نمایش بگذارند. آنان چنان در زمینه آموزش از پیشرفت‌های چشمگیر برخوردار شده‌اند که پیشرفت‌های زنان تحصیل‌کرده ایرانی، با آمارها و استانداردهای بین‌المللی همراهی می‌کند. اما در این زمینه هم با وجود برخی افزایش‌ها، دست‌نیافتن زنان به موقعیت‌های مناسب ادامه یافته است. به این ترتیب زنان از این سرمایه‌گذاری‌های چشمگیر بهره لازم را نگرفته‌اند. درواقع شرایط مناسب برای استفاده آنان از مهارت‌های علمی‌شان در جهت منافع فردی و جمعی ایجاد نشده است، یعنی از این موفقیت‌ها باز داشته شده‌اند.

این شکاف برآمده از تفکر پدرسالاری است که در غرب آسیا، در قرن‌های طولانی، همواره در برابر تأمین حقوق انسانی زنان مانند مردان قرار داشته است. سیاست‌ها و برنامه‌های حوزه زنان در دهه‌های اخیر، برای برداشتن موانع اجتماعی و فرهنگی پیش پای آنان، با مقاومت بخش‌های سنتی روبه‌رو بوده و با چالش‌های سیاسی نیز همراه شده است. دست‌یافتن زنان به مدارج بالای آموزش عالی، اهمیت بهره‌گیری از توانایی‌های انسانی‌شان را برجسته کرده است. البته این مسئله خاص زنان نیست، بلکه جامعه دانش‌آموختگان کشور با این اتلاف منابع و سرمایه‌های انسانی روبه‌روست. ولی در مورد زنان نادیده‌گرفتن مهارت‌ها و ظرفیت‌های علمی از شدت و گستره بیشتری برخوردار بوده است.

بر پایه قانون اساسی جمهوری اسلامی، دولت باید شرایط مناسب برای استفاده از استعدادهای انسانی همه شهروندان و ایجاد شرایط برای بهره‌گیری از استعدادهای زنان را به طور جدی دنبال کند. البته در این زمینه اقدام‌هایی هم شده است. بازماندن زنان از رسیدن به شرایط مناسب که با قابلیت‌های آنان در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سازگار باشد، به معنی نادیده‌گرفتن سرمایه‌گذاری عظیم برای رسیدن به توسعه انسانی است. شکاف عمیق میان توانمندی‌ها و صلاحیت‌های زنان ایرانی در پرتو تلاش‌های خستگی‌ناپذیر آنان، نشان می‌دهد که پرکردن این فاصله‌ها در کشورهای غرب آسیا به‌سادگی رخ نمی‌دهد. موضوعی که مصداق پیدا می‌کند افزایش شکاف جنسیتی در دهه‌های اخیر کشور است. بر پایه آمارهای بین‌المللی در این زمینه کشور ما در جایگاه مناسبی نیست. آمارهای مربوط به بهره‌گیری از استعدادهای گوناگون زنان نشان می‌دهد که به درستی عمل نشده و برخلاف شعارهای انتخاباتی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی لازم برای استفاده از این توانمندی‌ها انجام نشده است. در مقابل، با افزایش فشار بر آنان در دستیابی به حقوق طبیعی و قانونی‌شان روبه‌رو هستیم. این رویکرد دشواری‌ها را بیشتر می‌کند. زنان در چهار دهه گذشته نشان داده‌اند با استفاده از ظرفیت‌های انقلاب اسلامی و اتکا به توانمندی‌های خود در برابر مانع‌تراشی کوتاه نیامده و از شیوه‌ها و ابزارهای گوناگون در دوره‌های مختلف استفاده کرده‌اند؛ چه در دوره اصلاحات و چه در دوره پیشااصلاحات و حتی در دوره اعتدال این تلاش‌ها تداوم یافته است. ولی اینک به دلیل مداخلات بیرونی موضوع زنان ابعاد امنیتی پیدا کرده است. این شرایط توجه بیشتر به مطالبات زنان را ضروری‌تر می‌کند. در برابر افزایش مداخله‌های بیرونی باید تلاش برای افزایش اقناع داخلی دنبال شود. بنابراین انتظار می‌رود که نه‌تنها سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، بلکه اجرائی و عملیاتی‌شدن خواسته‌ها و تقاضاهای قانونی زنان باید در مسیر افزایش قرار گیرد. با حمایت، اقناع و تأمین مطالبات زنان و با ایجاد شرایط مناسب برای گسترش تلاش‌های اجتماعی آنان، می‌توان از این سرمایه‌های عظیم انسانی به سود کشور استفاده کرد. احترام و شناسایی حقوق انسانی زنان و مطالبات آنان، دست بیگانگان را از مداخله در امور داخلی کشور کوتاه و این توانمندی و ظرفیت چشمگیر را برای تأمین منافع ملی حفظ و امنیت ملی را تقویت می‌کند.

پرنده آبی

آشتی محرم با محیط زیست

ما تغییر کردیم، ما مردم در گوشه و کنار ایران اکنون کمی بیشتر به محیط زیست و اطرافمان توجه داریم. ما درصدد هستیم تا اندکی از حجم زباله‌هایی که در این ایام تولید می‌کنیم بکاهیم، ما درصدد هستیم تا با تلاش‌های خودمان آسیب کمتری به اطرافمان زده شود. «همراه با محرم همراه با محیط زیست»، «محرمی محیط‌زیستی داشته باشیم» و «محرم بی‌زباله» شعارهایی بود که برخی از افراد و نهادهای تصمیم‌گیر نظیر سازمان مدیریت پسماند در شهرهای مختلف از آن برای افزایش اطلاع‌رسانی و توجه دیگران سود برده بودند و در شبکه‌های اجتماعی آن را تبلیغ می‌کردند. هنگامی که در شبکه‌های اجتماعی می‌چرخیم یا هنگامی که در خیابان و شهر خود گام برمی‌داریم این را با وضوح بیشتری می‌بینیم. حالا دیگر تعداد زنانی که پلاستیک‌های زباله در دست دارند تا آشغال‌ها را کم کنند، بیشتر و بیشتر شده است، حالا دیگر تعداد تکیه‌هایی که نذر چای خود را در استکان تعارف کنند، بیشتر شده است. یکی از کاربران نوشته است: «یکی از حساسیت‌های ذهنی امروز یافتن جاهایی بود که با لیوان یک‌بارمصرف چای بدهند؛ باور کنید در شهر ما خیلی کم بود؛ در سایر شهرها چطور؟». عکس‌هایی نیز منتشر شده از استفاده پیاله به جای پلاستیک؛ یکی از کاربران عکس‌هایی را منتشر کرده که در آن چند موکب پذیرایی از عزاداران حسینی در یزد ظروف سنتی و سفال را جایگزین لیوان پلاستیکی کرده‌اند. پیاله، کاسه کوچک سفالی است که برای نوشیدن چای استفاده می‌شود همچنین در خوزستان و به‌خصوص اهواز تلاش‌های زیادی در این زمینه شده به طوری که فیلمی از چند خانم با حجاب چادر در حالی که پلاکاردهایی درباره محرم بی‌زباله دست گرفته‌اند را می‌توان دید. در واقع دوستداران محیط زیست در اهواز برای داشتن محرم بی‌زباله تلاش کرده‌اند. آنها در این شب‌ها با توزیع سینی‌های ساخته‌شده از در بطری، از همشهریان خود خواستند شمع‌هایشان را در مراسم شام غریبان روی زمین روشن نکنند. فعالان محیط زیست در خوزستان، از مردم دعوت کردند تا در ماه محرم به موضوع زباله‌ها توجه بیشتری داشته باشند. در خوزستان به نظر می‌آید تعداد کسانی که در این زمینه فعالیت می‌کنند بیشتر از استان‌های دیگر است. همین‌طور در برخی از روستاها و شهرها مردم با زنده‌کردن آیین و سنن قدیمی خود سعی می‌کنند تا هم به محیط زیست آسیب کمتری بزنند هم زیبایی‌ها و مهربانی‌های جاری در این نذور تاریخی-مذهبی را یادآوری کنند.

روایت

عزاداری؛ نه به هر شکلی!

رحمت امینی

این روزها برخی از عزاداری‌های خارج از عرف معمول به خودنمایی منجر می‌شود. این نوع حرکات که در واقع خارج‌شدن از اهداف قیام امام حسین(ع) است جلوه عزاداری را از بین برده و از سوی افراد مؤمن و معتقد و علاقه‌مند محکوم است. به عنوان یک علاقه‌مند به حوزه نمایش -به‌ویژه نمایش ایرانی- در مطالعاتی که داشته‌ام؛ اولین بار حوالی قرن چهارم هجری، نوعی دسته‌روی در زمان حکومت متمایل به شیعه آل‌بویه شکل می‌گیرد. عزاداری‌هایی کم‌هیاهو همراه با سیاه‌پوش‌کردن در و دیوار شکل گرفت. این نوع عزاداری بعدها در دوره صفویه تقویت می‌شود. به تدریج جریان قدرتمندی باعث شکل‌گیری نوحه‌خوانی و اوج‌گیری مداحی می‌شود. همچنین کتاب روضه‌الشهدا (باغ شهدا) که مقتلی است و آن را حسین واعظ‌کاشفی می‌نویسد، درباره سرگذشت حسین بن‌علی و وقایع حزن‌انگیز کربلاست که در ۱۰ باب و به سال ۹۰۸ هجری قمری (اواخر دوره تیموری و اویل صفویه) تألیف شد. بعد از این کتاب است که روضه‌خوانی رواج می‌یابد و هدف مداحان این می‌شود که سوگواران را بیش از پیش گریان کنند و به همین دلیل وقایع را اغراق‌آمیز و حوادثی را وارد روایت کنند که گاهی ریشه تاریخی ندارد و همین باعث می‌شود مورد انتقاد علمای برجسته قرار بگیرد و در زمان معاصر نیز آیت‌الله مطهری در کتاب حماسه حسینی به شدت به کتاب روضه‌الشهدا می‌تازد که چرا باید این‌قدر وقایع را تحریف کرده و اغراق‌آمیز نشان دهد. البته کار واعظ‌کاشفی در روضه‌الشهدا تاریخ‌نگاری نبوده و اقدامش برای این است که شنوندگان را به شور و حال بیشتری درآورد. همین کتاب منبعی می‌شود که دیگر نسخه‌های این‌چنینی هم نوشته شود از جمله نمونه ترکی‌اش به‌نام حدیقه‌السعدا نوشته می‌شود. حدیقه‌السعدا اثر منثور و منظوم ملامحمد فضولی عارف و شاعر قرن دهم است. حتی مقتل منظوم هم نوشته می‌شود که نخستین آن به نام مقتل منظوم فدایی مازندرانی است. اینها خود به مرور تبدیل به جریانی می‌شود که شور و حال عزاداری را بیشتر می‌کند و در این خصوص حدیث ثواب گریه‌کردن برای امام حسین (ع) هم تأثیرگذار بوده که در آن آمده است: هر کسی برای امام حسین (ع) بگرید، بگریاند و حتی تباکی کند (یعنی اگر نمی‌تواند گریه کند، اما به حالت محزون درآید و سر را پایین بیندازد و دست بر پیشانی بگذارد) این در پیش خدا پاداش دارد. برای همین مداحان، سخنوران و روضه‌خوان‌ها دست به هر کاری می‌زدند که این اشک و گریه سرازیر شود... در مقابل علما به‌حق معترض به هرگونه اقدامی شدند که هدفش فقط این باشد که به هر قیمتی بخواهند بگریانند. بی‌شک عزاداری برای اباعبدالله‌الحسین برای مسلمانان- به‌ویژه شیعه توصیه شده است، اما در این راه نباید شائبه ایجاد کند و حقایق تاریخی را وارونه نشان دهد و به این گونه اعمال نه تنها توصیه‌ای نشده که دستور به عدم اجرایش داده شده است و اکنون نیز از رهبر انقلاب گرفته تا برخی از روحانیون بلندمرتبه این حرکت را محکوم می‌کنند. چنانکه می‌بینیم بحث قمه‌زدن و مسائلی که منجر به آسیب‌رساندن به بدن و خون‌آلودشدن آن می‌شود دیگر کم شده و این نوع اعمال حتی ممنوع شده است؛ چون در اسلام سفارش شده که هر کسی باید از بدنش نگهداری کند و نه اینکه به آن آسیبی بزند. عزاداری درست تأمل در هدف و شرایط امام حسین(ع) و خانواده‌اش برای برپاداشتن حقیقت بوده است بنابراین نمی‌شود تن به هر نوع عزاداری غیرمعقولی داد که آن هدف بزرگ را از بین ببرد. خودم به عنوان یک علاقه‌مند به حوزه نمایش ایرانی چند بار در این باره فعالیت‌هایی کرده‌ام، از جمله نمایش مجلس غریب تنهایی که با بازی علی سرابی اجرا شد که ترکیبی از نمایش‌های روز و مجلس شبیه‌خوانی بود. همچنین چندین مقاله نوشته‌ام از جمله درباره روضه‌الشهدا و همچنین کتاب فتوت‌نامه سلطانی (باب ششم در مورد اساس سخنوری، معرکه‌گیری و مداحی) که واجد نکات جالبی است. به هر صورت ما اهل نمایش به دنبال آن هستیم که در شبیه‌خوانی نیز تجربه تاریخی وسیعی پیش‌روی مخاطبان قرار گیرد و در این رابطه نمایش پل نوشته و کار محمد رحمانیان یک نمونه ارزشمند است که در هر دو زمینه متن و اجرا ارزش دارد. همچنین خورشید کاروان که نمونه مردمی‌تری است که سال‌ها از اجرایش می‌گذرد. ما تئاتری‌ها دلمان می‌خواهد برداشت‌هایی را به صحنه بیاوریم که یادآور این واقعه تاریخی باشد یا اینکه هنرمندانه آن ایام را مرور کنیم. برخی از هیئت‌های عزاداری نیز از سال‌ها قبل به دنبال ارائه اشعاری هستند که از اواخر صفویه و با ترجیع‌بند معروف محتشم کاشانی باشد. بنابراین هیئت‌ها فقط در سطح ظاهری به شور و حال نپردازند و از تحریف و پاشیدن بذر خشونت جلوگیری کنند چون خود امام هم در طول راهش به کربلا تأکید می‌کرد باید از خشونت جلوگیری کرد و می‌گفت: ما برای جنگ نیامده‌ایم، بلکه حقیقت اهمیت دارد. در جمع‌بندی می‌توان یادآور شد که آنچه از گذشته به درستی رواج یافته که تابع حقایق منجر به قیام امام حسین (ع) است، می‌تواند بسترساز عزاداری در زمان ما باشد و غیر از این محکوم است چون تاریخ را تحریف می‌کند و ما را از حقایق این قیام بزرگ دور می‌گرداند.

اتفاق

کلاهبرداری با هوش مصنوعی

هوش مصنوعی به‌قدری قدرتمند شده که قادر است چهره افراد را از عکس ۱۶ در ۱۶ پیکسلی آنها، تشخیص دهد! این فقط یکی از مواردی است که هوش مصنوعی سبب ترس بسیاری شده است؛ اما هر روز خبری درباره سوءاستفاده از تکنولوژی منتشر می‌شود؛ برای مثال به‌تازگی تقلید صدای یک مدیر شرکت با فناوری دیپ سبب شده یک سرقت ۲۴۳ هزار دلاری شکل بگیرد. یک کلاهبردار با استفاده از فناوری «deepfake» و نرم‌افزار هوش مصنوعی تولید صوت، صدای مدیر ارشد اجرائی شرکتی را تقلید کرده و از مدیر زیرمجموعه در انگلیس خواسته در یک ساعت مبلغی را به یک شرکت تهیه‌کننده بلغارستانی انتقال دهد و همچنین تضمین کرده بود این مبلغ بازپرداخت می‌شود. مدیر زیرمجموعه که با لهجه آلمانی و ویژگی‌های سخن‌گفتن رئیس خود آشنا بوده نیز درباره این تماس تردید نمی‌کند مقامات قضائی هنوز مشغول بررسی این عملیات کلاهبرداری سایبری هستند.